

## وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

( بخش دوم )

### عوامل پشت پرده حادثه یازده سپتمبر

طوری‌که در صفحات قبلی نیز تذکر داده شد، تعدادی از شخصیت های علمی - سیاسی، منابع و نشریه های معتبر جهان غرب، نظرات و استدلالهای شان را در جهت مخالف سخنها و اقدامات کاخ سفید ابراز نمودند. مثلاً، پروفیسور مایکل چوسودوسکی، طی نگارش مقاله یی که در شماره اپریل 2013م " گلوبل ریسرچ " توأم با عکسی به نشر رسید و در این عکس، جورج بوش را در حال بوسیدن دهن ملک عبدالله پادشاه سعودی نشان میداد، چنین نوشت: " استثنای درگفتار و کردار جورج دبلیو بوش بملاحظه میرسد، آنگاه که جورج بوش، پادشاه عربستان سعودی را با احترام تمام می بوسد، چه معنی را میرساند؟ یعنی کشور حامی تروریسم، هیچگاه از سوی " اف. بی . آی " مورد سوژن قرار نمیگیرد. . . در اینجا یک رابطه سیاسی جدید با یک دولت حامی تروریسم، تحت نام بخشِ نورمال جدید یا " تروریست خوب " شکل می گیرد. . . این، از سوی مملکتی شکل میگیرد که میخواهد دموکراسی امریکایی را به سراسر جهان گسترش دهد... "

پروفیسور مایکل، مقاله اش را چنین ادامه میدهد : " وقتی جان کری {وزیر امور خارجه امریکا} موافقتش را برای کمک رسانی به النصره { سازمان تند رو اسلامی } در سوریه ابراز میکند، معنی اش پیوسته گی با القاعده است . بنابراین، در این میانه، موضوع " تروریست خوب " و " تروریست بد " مطرح است ... " (5)

روزنامه " نیویارک تایمز " نیزمطالب جالبی را درعین ماه و سال، پیرامون نزدیکی های جورج بوش با بن لادن و خانواده او، چنین به نشر رسا نید : " بوش ها } بوش پدر و بوش پسر) از دیر زمان با او رفیق بوده اند. .. درعین حال می شنیدیم که اسامه بن لادن " موجود بد " و " دشمن درجه یک " است . اما وقتی با اعضای خانواده مغز متفکر تروریسم، معامله بازرگانی صورت میگیرد، دیگر هیچ چیزی غلط پنداشته نمیشود. مثلاً، با سلیم بن لادن و شفیق بن لادن برادران اسامه بن لادن...این، شامل پروژه تروریست های خوب است. جورج بوش (پدر) سابق رییس جمهور امریکا، فقط یک روز قبل از حادثه یازدهم سپتمبر، با شفیق بن لادن سرمایه دار بزرگ، عضو کمپنی " کارلل گروپ " و برادر اسامه در هتل " رتس کارلتن دیدار میکند..."

" پرس تی وی " درماه سپتمبر 2013م ازقول " سیمورهرش " یکی ازخبر نگاران ارشد رسانه های اصلی امریکا نوشت که " ... اینکه خانواده بوش با خانواده اسامه بن لادن، یعنی کسی که گفته میشود این حمله تروریستی را انجام داده تجارت داشته است. درحقیقت خانواده بن لادن در هیأت مدیره شرکت نفتی بوش حضور داشته است، چطور ممکن است که از میان ملیاردها خانواده ای که روی کره زمین وجود دارد، همان خانواده ای که این حمله خونین را علیه امریکایی ها انجام داده با رییس جمهور این کشور مناسبات تجاری داشته باشد؟ به عقیده من، این ماجرا توطئه ای از سوی امریکایی ها برای براندازی دولت ایالات متحده و رویکار آوردن آنچه حکومت پلیسی خوانده میشود و همچنین دستیابی به جاه طلبی های امپریالیستی امریکا برای فریفتن خاور میانه و به چنگ آوردن تمامی منابع انرژی آن بوده است "

"گیلبرت اخگر" یکی از مدرسان امورسیاسی و روابط بین المللی در دانشگاه پاریس کتابی را به تحریر درآورده بنام " برخورد بربریت 11 سپتامبر و ایجاد بی نظمی نوین جهانی" و در بخشی از آن کتاب چنین مینگارد : " به طور قطع یازدهم سپتمبر، شرایط سیاسی را برای واشنگتن فراهم آورد که این کشور را مصمم به گسترش امور نظامی کرد، گسترشی که بدون حادثه یازدهم سپتمبر امکان پذیر نبود . . . و آن چیزی نبود جز بهانه جنگ علیه تروریسم ..."

"گلوبال ریسرچ"، مطالبی را باساس مقاله یکی از محققان بنام " ویلیام ارکن " منتشره لوس انجلس تایم به نشر رسانید که ترجمه بخشهایی از آن را در اینجا درج میکنیم :

" ریشه انکشافات و توانمندیهای کنونی وزارت دفاع امریکا درجنگ مخفی علیه تروریسم، برمیگردد به سال 1979 میلادی، یعنی به حادثه گروگان گیری دپلوماتهای امریکا در ایران. پس از آن بود که ارتش {امریکا} دهلیزی را بازنمود تا از آن طریق جمع آوری اطلاعات مخفی بصورت مستقل از سایر منابع اطلاعاتی امریکا و بوسیله عملیات پنهانی میسر شده بتواند. درعین حال، دستورات کهنه در قالب جنگ پنهانی جدید جا داده شد. دو نیروی خاص و مشترکی که قبلاً در مبارزه علیه مواد مخدر منهدم بود، در جهت جنگ علیه تروریسم بکار گرفته شد. ساختار مشترک مربوط به جنگ مخفی وزارت دفاع در پایگاه کارولینای شمالی، بعنوان قوای خاص و مشترک عملیاتی باقی ماند و ترجیح داده شد بنام " دلتا فورس" نامیده شود. فرماندهی این قوای خاص بعهده یک تن از قوماندانهای دوستاره ارتش بنام میجر جنرال " دل . ال . دیلی " میباشد که غالباً در ارتباط جنگ افغانستان، در عمان بسر میبرد و در انظار عامه حاضر نمیشود. ... وزارت دفاع امریکا مصروف ایجاد یک ارتش مخفی ممتاز با امکانات گسترده است... هواپیما ها و کشتی های جاسوسی در حال فعالیت ضد تروریستی و کنترل بر "محور شرارت" هستند... رامسفلد در ماه می گفت " وظیفه ما اینست تا دشمن را قبل از آنکه اقدام علیه ما داشته باشد، شناسایی و نا بود سازیم... "

پروفیسور مایکل چوسودوفسکی همچنان گفت : " یازدهم سپتمبر سال 2001، " مبارزه جهانی علیه تروریسم " را بمیان آورد، طوریکه بهانه یی شد برای امریکا و متحدان نا تویی اش تا این مبارزه را به یک جنگ بدون مرز مبدل نماید... "

این موضوع را بخصوص اظهارات " دونالد رامسفلد " عضو برجسته محافظه کاران نوین و وزیر دفاع امریکا در اداره جورج بوش، خوبتر تأیید مینماید که در همان شب و روز گفت : " اگر جنگ، نقشه سیاسی جهان را تغییر ندهد، ایالات متحده امریکا به اصل مقصد خویش نایل نخواهد شد، باید گفته شود که ارزش بزرگی در این تغییر ضروری نهفته است... " (6)

افشاً این مطالب میرساند که ایالات متحده امریکا مصمم است نه تنها افغانستان، بلکه سراسر جهان را با استفاده از چنین نیروی مخفی و خطرناک، آنهم به بهانه جنگ علیه تروریسم، تحت کنترل خویش در آورده هر فرد، جمع یا رژیم را که مخالف خواسته ها و

اهدافِ سیاسی خویش تشخیص دهد، بصورت عاجل و بدون در نظر داشتِ قوانین و اصالیبِ انسانی و بین المللی، به نابودی بکشاند. ( ادامه دارد )